

وپاسخگویی نظام سیاسی

راديو



● حسن بخشی زاده
دانشجوی کارشناس ارشد مدیریت
جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران

چکیده

یکی از مهمترین وظایف نهادهای جامعه مدنی به خصوص رسانه‌ها، نظارت بر عملکرد حکومت‌هاست. حکومت‌ها در صورتی که از نظارت بر عملکرد خویش مطلع باشند و خود را همواره در معرض نقد و بررسی افکار عمومی ببینند، مراقب عملکرد خویش خواهند بود. لازمه پاسخگوبودن نظام سیاسی این است که مردم از مسائل اساسی و اصلی جامعه آگاه باشند و مطالبه آن را از حکومت خواستار شوند. در غیر این صورت نوع خواست جامعه و عکس‌العمل حکومت نسبت به آن در شکل پاسخگویی، به انحراف کشیده می‌شود. راديو به عنوان یک رسانه جمعی از طریق نظام آموزش دائمی در افزایش آگاهی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مؤثر واقع می‌شود و از این طریق می‌تواند از سویی سبب بیان و هدایت صحیح خواسته‌های مردم شده و از سویی دیگر حکومت را به ارائه مناسب خدمات و پاسخ‌ها وادارد. در نتیجه این جامعه با داشتن آگاهی درست، سعی در مشارکت داشته و پاسخ‌های مناسبی از حکومت

طلب خواهد کرد. رسانه‌ها و رادیو به عنوان عضوی از جامعه مدنی و واسطه میان افکار عمومی و حکومت که وظیفه برآورده-ساختن تقاضاهای جامعه و گروه‌ها را از طریق بیان و پی‌گیری آنها دارند، نقش و وظایف مختلفی در این زمینه ایفا می‌کنند که یکی از مهم‌ترین آنها هدایت و کنترل افکار و عقاید در جامعه است، به گونه‌ای که می‌توانند از طریق تبلیغ و فرایند آفاق، افکار جامعه را به سوی هدفی درست و منطقی و یا برعکس اشتباه هدایت کنند.

کارکرد نظام سیاسی

ماکس وبر نظام سیاسی را نظامی می‌داند که دستوراتش همواره در محدوده جغرافیایی مشخصی اجرا می‌شود. دیوید ایستون (۱۹۶۵) دانشمند معاصر، نظام سیاسی را مجموعه‌ای از کنش-های متقابل می‌داند که از طریق آنها ارزش‌ها، خدمات و کالاها برحسب قدرت معتبر (یعنی تصمیماتی که مسئولان قانون-گذاری، اجرایی و قضایی برای جامعه اتخاذ می‌کنند) برای تمام بخش‌های جامعه سهم‌بندی می‌شود. (رهبر، ۱۳۸۴)

هر نظام سیاسی برای ادامه حیات خود باید همواره درصدد دگرگونی ساخت‌های موجود یا ایجاد ساخت‌های جدید و سازگاری و سازواری با شرایط متغیر محیطی باشد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی نظام سیاسی، گسترش ظرفیت آن برای بهره‌گیری بهتر از توانایی‌های خویش جهت پاسخگویی به نیازهای مردم است. (قوم، ۱۳۷۴: ۶۸)

از آنجا که حکومت‌ها وظایف مختلفی در قبال جامعه دارند، بسته به نوع تقاضاها، از خود واکنش نشان می‌دهند. ورودی-هایی که به شکل تقاضا وارد نظام سیاسی می‌شوند، طی فرایند تصمیم‌گیری، به شکل خروجی وارد نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خواهند شد. شناخت چنین تقاضاهایی همراه با دسته‌بندی و بیان آنها جزء رسانه‌ها و رادیوهای مستقل و کارآمد

است که در این فرایند از طریق انتقال خواسته‌ها به حکومت، تحقق آنها را نیز پی‌گیری می‌کنند، به گونه‌ای که امروزه رقابت میان رسانه‌های معتبر جهانی برای کسب مقبولیت عامه و پیشبرد منافع و سیاست‌های خود، سبب اعتبار آنها نزد افکار عمومی می‌شود.

سیستم سیاسی شامل کلیه سازمان‌های رسمی و غیررسمی سیاسی است که در آنها تصمیمات مربوط به اداره و رهبری جامعه اتخاذ و به اجرا درمی‌آید، لذا این سیستم سیاسی در نهایت موجب می‌گردد که اتخاذ تصمیمات و اعمال تلاش‌های همگانی برای رهبری آن جامعه میسر گردد. کلیه کنش‌ها و تلاش‌های سیاسی در درون سیستم سیاسی حاکم تجلی می‌یابند و کلیه تصمیمات مربوط به اداره و رهبری کشور، در درون این سیستم توسط عاملان تصمیم - یعنی صاحبان قدرت اعم از دولتی و غیردولتی اتخاذ و به اجرا درمی‌آیند.

عملکرد نظام سیاسی را می‌توان به صورتی که در نمودار نشان داده شده دید.

به‌طور کلی هر نظام سیاسی توانایی‌های گوناگونی دارد که در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

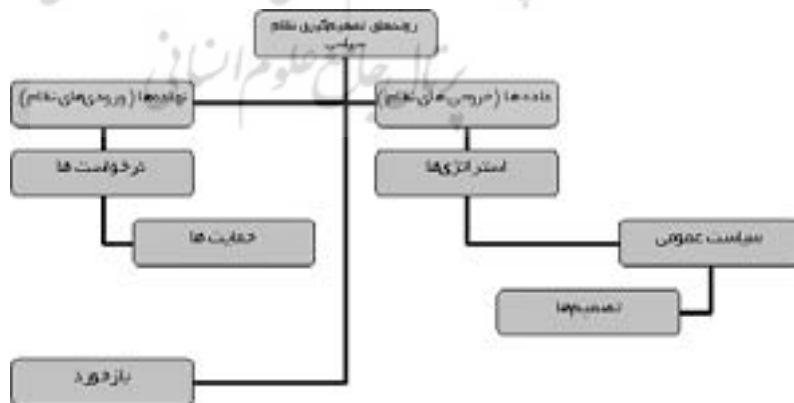
- توانایی‌های استخراجی، که به ظرفیت نظام در تجهیز منابع مادی و معنوی محیط داخلی و بین‌المللی برای پاسخگویی بیشتر به نیازها مربوط می‌شود.

- توانایی‌های تنظیمی. مقصود از این توانایی برخورداری از اقتدار لازم برای کنترل افراد و گروه‌های گوناگون جامعه است.

- توانایی‌های توزیعی. قابلیت توزیعی به توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها، منزلت‌ها، فرصت‌ها، کالاها و خدمات در میان سطوح گوناگون جامعه مربوط است.

- توانایی‌های نمادی. محیط نظام سیاسی یک فضای ارزشی، اعتقادی و نمادین است.

- توانایی‌های پاسخگویی، که به ارتباط میان نهاده‌ها و داده-ها مربوط است. برای محققان مطالعه درجه پاسخگویی،



(ایستون، ۱۹۶۵، نقل از رهبر، ۱۳۸۴)

اطلاعات لازم را برای تجزیه و تحلیل توصیفی، توضیحی و پیشگویانه نظام سیاسی فراهم می‌آورد. (رهبر، ۱۳۸۴)

رسانه‌ها از جمله تهیه‌کنندگان برنامه رادیویی می‌توانند با به-کار بستن آنها، به نیازهای مخاطبان خود در قبال نظام سیاسی، به صورت مؤثری پاسخگو باشند.

تأثیرات سیاسی رسانه‌ها

نیل پستمن معتقد است: «در حقیقت، این وسایل ارتباط جمعی هستند که در بعد گسترده، از یک سو نقش روزافزون خود را به آنچه بدان وقوف می‌یابیم، با آن آشنا می‌شویم، رویاروی آن قرار می‌گیریم، هر آنچه که تجربه می‌کنیم و آنچه به عنوان تجربه می‌اندوزیم، آنچه به عنوان دانش می‌آموزیم و آن گونه که دانسته-های خود را می‌سازیم و شکل می‌دهیم، به عهده گرفته‌اند و از سوی دیگر به کنایه به ما تحمیل می‌کنند که به چه بیندیشیم، چگونه بیندیشیم، و چه، چگونه و چرا احساس کنیم.»

ژان کازنو درباره همین طرز اندیشه می‌نویسد: «این اندیشه در نظر مردم - چه عادی و چه تحصیل کرده- رواج یافت که



وسایل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور دارند و می‌توانند افکار فلسفی و سیاسی را منقلب نموده، شکل تازه‌ای بدان بخشند و به اختیار، تمامی رفتارها را هدایت نمایند.» (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۹۸)

بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی و ارتباطات، کمیت و کیفیت ارتباطات را یکی از عوامل مؤثر در فراگرد توسعه سیاسی می‌دانند. تشبیه کردن ارتباطات به اعصاب و یا اسکلت نظام سیاسی توسط صاحب نظران این رشته، از یک طرف مبین اهمیت است که محققان برای نقش سیاسی قائلند و از طرفی دیگر گوناگونی عقاید اندیشمندان را در مورد نقش اساسی ارتباطات نشان می‌دهد. (بشیریه، ۱۳۷۶: ۸۵)

حکومت با سه قوه قانون گذاری، اجرایی و قضایی در کنار

سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف به دلیل تمرکز قدرت و ثروت با آسیب‌پذیری و چالش‌های عمده‌ای مواجه است و از این رو در صورت نبود کنترل و نظارت نهادمند، مسیرش منحرف خواهد شد. از این رو لازم است تلاش‌های هرچه گسترده‌ای در حوزه-های ذهنی و عینی در رسانه‌ها و به خصوص در رادیو فراهم آید. پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌های جمعی، موجب سست شدن ساختارهای اجتماعی سنتی مانند خانواده گسترده و اجتماعات بومی و قبیله‌ای شده است. وسایل ارتباط همگانی همچون رادیو در شکل‌دادن به جهت‌گیری‌های سیاسی افراد و حکومت‌ها اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. وسایل ارتباط-جمعی برای دولت‌ها و حکومت‌های عصری حیاتی به‌شمار می‌آیند و وسیله مهمی برای حرکت جوامع سنتی به سوی وحدت سیاسی هستند. وسایل ارتباطی و رسانه‌های همگانی، رادیو و همچنین تلویزیون پیام‌های سیاسی مستمر و استاندارد را به‌طور همزمان به تعداد بیشماری از افراد می‌رسانند.

هربرت هایمن می‌گوید: «کارایی و سرعت وسایل ارتباط-جمعی و رسانه‌ها به حدی است که می‌توانند جمعیت عظیمی را که به نوگرایی نیاز دارند، پوشش دهند و آنها را دربرگیرند. استاندارد شدن این وسایل برای ایجاد الگوهای متحدالشکل رفتاری تأثیری در سطح ملی دارد و روحیه‌ای نو در آنها نهفته است، گرچه خالی از عیب هم نمی‌تواند باشد». تأکید هایمن بر سودمندی بالقوه وسایل ارتباط همگانی در جهت نوگرایی و وحدت سیاسی، تأکیدی درست است. البته گاه در این زمینه راه افراط پیموده می‌شود. جوامعی که به جامعه‌پذیری استاندارد نیاز مبرم دارند، فاقد مهارت‌ها و تسهیلات و ابزار فنی لازم برای استفاده مؤثر از این وسایل ارتباطی هستند. ملت‌هایی که برای نوگرایی خود به شدت به این گونه ارتباطات نیاز دارند، همان ملت‌هایی هستند که کمترین دسترسی را به این منابع دارند. بیشتر جمعیت آنها بی‌سوادند، تعداد اندکی رادیو و تلویزیون در اختیار دارند و به محتوای سیاسی وسایل ارتباط جمعی بی‌اعتنا و بی-توجه‌اند. (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۳۳۵)

یکی از مهمترین وظایف رسانه‌ها و رادیو، نظارت بر عملکرد حکومتهاست که در این زمینه می‌توان جنبه نظارتی رسانه را در دو بخش نظارت بر فرایند گزینش افراد و نظارت بر کارآمدی حکومت در نظر گرفت.

- فرایند گزینشی: وظیفه و کارکرد رسانه‌ها و رادیو تأثیرگذاری بر گزینش افراد و گروه‌هایی است که باید نقش‌هایی را در سطوح گوناگون ایفا کنند. این کارکرد معمولاً به دو صورت یا ترکیبی از آن دو انجام می‌شود: براساس پیوندهای وابستگی و بر مبنای توانایی و مهارت در انجام کار.

- کارآمدسازی حکومت: که اندیشمندان سیاسی عملکرد و کار ویژه حکومت را در چارچوب مشروعیت (میزان دوری یا نزدیکی آن به منشأ روحانی) یا مقبولیت سیاسی (که باتوجه به امور عینی و واقعی شکل می‌گیرد) می‌دانند و توجه به هر یک از این جنبه‌ها را بدون دیگری، نوعی آسیب‌پذیری می‌شمرند. (باتامور، ۱۳۷۲: ۱۲۴)

رسانه‌ها و پاسخگویی نظام سیاسی

رسانه‌های جمعی در کنار احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع، از اجزای تشکیل‌دهنده جامعه مدنی به‌شمار می‌روند و نقش واسطه و میانجی را میان افکار عمومی و نظام سیاسی، مرکب از قوای سه‌گانه و دیگر تشکیلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های نظام‌های مردم‌سالار و دینی پاسخگویی آنها در قبال عملکردشان است. یک نظام سیاسی از سه جزء اصلی تشکیل شده است: مردم، جامعه مدنی و حکومت. جامعه مدنی شامل گروه‌ها و رسانه‌هاست که واسطه و میانجی خواسته‌های مردم و حکومتند. رسانه‌ها به عنوان اجزای قدرتمند جامعه مدنی و تأثیرگذار بر افکار عمومی نقش‌های سیاسی مهمی برعهده دارند که عمده‌ترین آنها واداشتن حکومت به پاسخگویی است. رسانه‌ها محمل‌هایی برای پیام محسوب می‌شوند. از جمله این رسانه‌های جمعی رادیوست که پیام‌های شنیداری را به‌طور مستقیم به گیرندگان پیام - یعنی مخاطبان - ارسال می‌کنند. «ویپ» دو مشخصه برای رسانه‌ها ذکر می‌کند: نخست آنکه محصول آنها به مفهومی فیزیکی، به راحتی در اختیار جامعه قرار می‌گیرد و دوم آنکه هزینه رسانه‌ها بسیار کم است تا جایی که دسترسی به آنها برای مردم امکان‌پذیر است. (رهبر، ۱۳۸۴)

رسانه‌های جمعی در کنار احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع، از اجزای تشکیل‌دهنده جامعه مدنی به‌شمار می‌روند و نقش واسطه و میانجی را میان افکار عمومی و نظام سیاسی، مرکب از قوای سه‌گانه و دیگر تشکیلات سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. نقش چنین واسطه‌هایی بسته به نوع نظام سیاسی و میزان استقلال جامعه مدنی، متفاوت است، اما در مجموع، رادیو در تأمین تقاضاهای جامعه و واداشتن حکومت به پاسخگویی نقش اصلی را برعهده دارد، به گونه‌ای که در صورت در نظر گرفتن آن، حکومت می‌تواند به راحتی از تأمین تقاضاهای جامعه و گروه‌ها سر باز زند و یا مردم برای بیان خواسته‌هایشان دست به رفتارهای خشن بزنند. در هر حال رادیو و رسانه‌ها به عنوان عضوهایی از جامعه مدنی و واسطه‌ای میان افکار عمومی و حکومت، از یک طرف به ساختن افکار و عقاید جامعه می‌پردازند و از طرف دیگر به طور مستقیم به بیان و تجمیع تقاضاهای جامعه و گروه‌های مختلف و نظارت بر عملکرد نهادهای حکومتی، نسبت به برآورده‌سازی انتظارات و عدم کجروی نهادهای رسمی اقدام می‌نمایند.

رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری افکار عمومی اهمیت و تأثیر بی‌بدیلی دارند. در اوایل قرن بیستم با دگرگونی دستگاه‌های رسانه‌ای و با پیدایش رادیو و تلویزیون، تحولی اساسی به وقوع پیوست. رسانه‌ها با قدرت دوچندان یا به عرصه نهادند. رسانه‌ها علاوه بر تأثیرگذاری بر افکار عمومی و مهارت‌دهی به آنها، بر حکومت نیز تأثیر زیادی می‌گذارند؛ به گونه‌ای که امروزه از آنها به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود. در کنار توده‌ها، احزاب سیاسی و نظام‌های انتخاباتی، رسانه‌ها نیز رکنی از

نظام‌های توسعه‌یافته سیاسی محسوب می‌شوند. (علوی، ۱۳۷۵)

رادیو نیز به عنوان اولین رسانه جمعی فراگیر و کلی در ارتباط با موضوعی بسیار مهم یعنی افکار عمومی قرار دارد؛ اگرچه در طول چند سده‌ای که از پیدایش رسانه‌های مکتوب و چند دهه‌ای که از پیدایش رسانه‌های الکترونیکی می‌گذرد، نظرهای گوناگونی در خصوص تأثیرات آنها از سوی اندیشمندان حوزه‌های ارتباطات، جامعه‌شناسی و فرهنگ ارائه شده است و برخی همچون لرز، مک‌لوهان و تونیس با نگاهی خوشبینانه، رسانه‌ها را حامل پیامی برای جلورفت خاندان بشری تلقی می‌کنند و آنها را گامی مهم در توسعه جوامع بشری می‌دانند، اما برخی دیگر همچون دارنדרوف، لوکاج، آدورنو، هورکهایمر و مارکوزه با نگاهی بدبینانه از مفاهیمی همچون سلطه، انسان‌تک‌ساختی و فرهنگ بسته‌بندی شده یاد می‌کنند. (بشیریه، ۱۳۷۶: ۲۸)

این که رسانه‌ها به‌عنوان رکن چهارم مردم‌سالاری نام برده می‌شوند به‌خاطر این است که در کنار ارکان سه‌گانه مردم‌سالاری یعنی افکار عمومی، فعالیت گروه‌ها و انتخابات سهم عمده‌ای در مردمی‌ساختن حکومت و ممانعت از فاصله میان جامعه و حکومت دارند.

هر نظام سیاسی برای ادامه حیات خود باید همواره در صدد دگرگونی ساخت‌های موجود یا ایجاد ساخت‌های جدید و سازگاری و سازواری با شرایط متغیر محیطی باشد.

از جمله نهادها و ساختارهای تأمین‌کننده و تحکیم‌کننده توسعه ایران در مقطع فعلی، می‌توان به نهادهای زیر اشاره کرد:

- نهادهای حکومتی متکی بر دموکراسی: که دارای ویژگی‌هایی اصلی چون مشروعیت علم در امور علمی، مشروعیت‌های عمومی در امور غیر علمی، محدودیت دخالت‌های دولت، عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت خلاق، واقعی و شکوفایی مردم‌اند.

- رسانه‌های جمعی: مستقل از دولت، متنوع، فراگیر و آزاد هستند.

- احزاب سیاسی: مستقل از دولت، متنوع، فراگیر و محل پرورش نوآوران سیاسی‌اند.

بسیاری، از رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از نهادهای تضمین‌کننده شکوفایی خلاقیت سرمایه انسانی و توسعه یاد می‌کنند که باید حداقل دارای سه ویژگی استقلال، تنوع و فراگیری باشند. او تأکید دارد نباید هیچ رسانه‌ای طرفدار و مدافع گروه خاصی باشد، یا اگر رادیو و یا شبکه‌ای تلویزیونی داشته باشیم که مدافع مصرف‌کنندگان یا مدافع واردکنندگان یا شهرنشینان و... باشد، این نوع رسانه ظاهراً رسانه بدی است. در حالی‌که واقعیت، درست، برعکس آن است. کشور باید رسانه‌های ملی داشته باشد،

ولی لازم است که رسانه‌های گروهی و مدافع گروه‌ها و احزاب هم داشته باشند. رسانه‌ها چنانکه در قانون اساسی هم آمده است باید آزاد باشند که عقاید و آرای مختلف را مطرح نمایند و بی‌آنکه اخلاقی در نظم عمومی جامعه به وجود آورند، بتوانند دیدگاه‌های مختلف را تبیین کنند. منابع مالی آنها نباید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به دولت باشد و... به هر حال رسانه‌های جمعی مستقل، متنوع و فراگیر، از ضرورت‌های توسعه جامعه‌اند. (عظیمی، ۱۳۷۸: ۶۹-۶۸)

در بحث پاسخگویی نهادهای سیاسی می‌توان به پرسش‌هایی که مردم و مخاطبان برنامه‌های سیاسی رادیو، از تهیه‌کنندگان این برنامه‌ها - بویژه از طریق تلفن و نامه - می‌پرسند اشاره کرد، که تهیه‌کنندگان باید در این مورد حداقل سانسور را در گزینش سؤال‌های مردم به‌کار ببرند تا باعث ایجاد و به‌وجود آمدن شفافیت در میان مردم شوند، در سال‌های اخیر این نوع تعامل مردم و مسئولان به‌طور گسترده در میان بیشتر برنامه‌های رادیویی دیده

سیاسی، تغییر می‌کند. رویکرد ژورنالیستی نیز بر پایه تعریف رسمی از بی‌ثباتی نیست، بلکه مبتنی بر دو ایده است: نخست، تأکید بر وضعیت‌های سیاسی نسبتاً کوتاه‌مدت است و برخلاف دو رویکرد پیشین دوره بسیار کوتاهی مثل چند روز، چند هفته یا حداکثر چند ماه را در برمی‌گیرد؛ دوم آنکه بی‌ثباتی با عدم قطعیت همسان انگاشته می‌شود. در رویکرد سیستمی، نظم و ثبات سیاسی هر حکومتی مبتنی بر دو دسته از عوامل است: یکی اینکه نظام سیاسی کار ویژه‌های خود را به خوبی انجام دهد و با سایر سیستم‌های فرعی جامعه تبادل و روابط متقابل داشته باشد و دوم اینکه میان حوزه‌های اصلی نظام اجتماعی ناهماهنگی و بی‌تعادلی شدید پدید نیاید. (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۰۷)

در واقع نظام سیاسی وقتی باثبات است که به‌طور منظم با دریافت داده‌ها، آنها را به بازده تبدیل کند. از سوی دیگر اگر مدار داده، فرایند، بازده و بازخورد گسسته شود، نظام سیاسی دچار اختلال می‌گردد. در اینجا رادیو به عنوان یک رسانه جمعی

آموزش سیاسی فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشناسدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقش خویش در جامعه پی‌می‌برند.



می‌شود، که با دادن پاسخ از طرف مسئولان و نهادهای ذیربط در مواردی همراه بوده است، و امیدواریم این نمونه اقدامات در سال‌های آینده به‌طور مؤثر و مفید ادامه داشته باشد و به ارائه خواسته‌ها و مطالبات سیاسی واقعی مردم بینجامد.

رادیو و ثبات سیاسی

تا اواسط دهه ۱۹۶۰، ثبات سیاسی را اصولاً استمرار انواع خاصی از نظام سیاسی یا تداوم آنها تعریف می‌کردند. لیپست در کتاب انسان سیاسی، نظام‌هایی را که دارای حکومت دموکراتیک مستمر بوده‌اند یا در طول سال‌های معینی از حکومت (توتالیتار) پایداری داشته‌اند، باثبات قلمداد می‌کند و آنهایی را که بین این دو حالت در نوسان بوده‌اند را بی‌ثبات معرفی می‌نماید. (پناهی، ۱۳۸۳)

در رویکردهای تجربی به ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، فرض بر این است که بی‌ثباتی در مفهوم استمرار و نه انشعاب، به‌طور مستقیم با تغییر نسبت فراوانی وقوع انواع خاصی از حوادث

و ملی می‌تواند در جریان این سیستم نقش محوری داشته باشد که در اینجا به تشریح آن می‌پردازیم. در حوزه داده‌ها یا درون داده‌ها ممکن است کل خواسته‌ها و تقاضاهای جامعه وارد سیستم سیاسی نشود و یا نهادها و سازمان‌هایی برای انتقال این خواسته‌ها وجود نداشته باشد و نظام سیاسی به‌نحوی کاذب خواسته‌ها و تقاضاها را خود تعیین کند. در حوزه فرایند ممکن است کل خواسته‌ها در یک نظام عقلانی لازم، گسترش نیافته باشد. در حوزه بازده‌ها یا برون‌داده‌ها ممکن است اصلاً بازده هیچ ارتباطی با داده‌ها نداشته باشد و در واقع نظام سیاسی، آنچه خود ترجیح می‌دهد را به مثابه سیاست‌های خویش عرضه کند و یا بازده‌ها بعضاً بازتاب داده‌ها و نهادها باشند. سرانجام در حوزه بازخورد ممکن است پیوندهای لازم جهت تطبیق و مقایسه میان داده‌ها و بازده‌ها وجود نداشته باشد. در همه این موارد نظام سیاسی ارتباط خود را با پیرامون از دست داده و نمی‌تواند خواسته‌های شهروندان را تأمین نماید، لذا دچار بی‌ثباتی می‌شود. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۸۷)

دیوید ساندرز (۱۳۸۰) به ارائه و تبیین چهار شاخص عمده بی‌ثباتی سیاسی می‌پردازد. این شاخص‌ها عبارتند از: تغییر رژیم، تغییر حکومت، چالش‌های خشونت‌آمیز و چالش‌های مسالمت‌آمیز. انگاره‌هایی که رسانه‌ها معمولاً ارائه می‌دهند، به دو دلیل بارز تحریف شده‌اند؛ اول اینکه ماهیت امر می‌تواند توسط کسانی که کم و کیف آن را مخابره کرده‌اند، درست درک نشده باشد. دوم آنکه، پوشش خبری رسانه‌ها به‌نحوی است که فقط انگاره‌های موردنظر مخاطبان را گزارش می‌کنند؛ همانطور که رادیوهای بیگانه چون آزادی، BBC و آمریکا که دارای بخش فارسی هستند، در جنبه‌های مذهبی و سیاسی، هجمه فرهنگی عظیمی را آغاز کرده‌اند که در آینده مشکل‌آفرین خواهد شد. البته آثار مخرب آن نیز اکنون مشاهده می‌شود: اخبار نادرستی که با بزرگنمایی‌های خاص از رادیوهای بیگانه پخش می‌شوند، می‌توانند زمینه‌ساز ازدست‌رفتن اعتماد عمومی و به‌خصوص جوانان به کشور خود شوند. تولیدات رسانه‌ای باید آنچنان ارزشمند و باکیفیت باشند که بتوانند جوانان ما را جذب کنند، زیرا همانطور که اشاره شد غرب برای گرایش جوانان به سوی خود جلوه لازم را به کارهای

نقش‌های چندگانه و مهم رادیو در پاسخگویی و توسعه نظام سیاسی

آموزش سیاسی فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشناسدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقش خویش در جامعه پی‌می‌برند. در جریان این انتقال، تغییرات و یا تعدیل‌هایی نیز صورت می‌گیرد. آثار این امر را می‌توان در رفتارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی اعم از رأی‌دادن، حمایت از احزاب سیاسی، شرکت در مجامع صنفی و مشارکت سیاسی، اقتصادی و... مشاهده کرد. به‌طور کلی نظریه‌های مسلط درباره نقش رسانه‌ها و بویژه رادیو در توسعه سیاسی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: گروه نخست شامل اندیشمندانی است که معتقدند رسانه‌ها موجب نشت فرهنگی و ایجاد همدلی در بین افراد جامعه می‌شوند. به عقیده این گروه، گسترش رسانه‌ها منجر به بالا بردن آگاهی سیاسی مردم، شفاف‌سازی سیاسی، ایجاد فضای نقد و پاسخگویی و در نتیجه مشارکت مردم می‌شود.

رسانه‌ها و بویژه رادیو می‌توانند با انجام وظایف هدایتی، تجمیعی و نظارتی، منجر به پاسخگویی حکومت‌ها در قبال عملکردشان خود شوند؛ امری که اگر به‌درستی انجام پذیرد، زمینه را برای نزدیک‌شدن جامعه و مسئولان به یکدیگر، کارآمدی بیشتر و مشارکت مردم و گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها فراهم خواهد آورد.

گروهی که می‌توان آنها را نهادگرا نامید، معتقدند مهمترین تأثیر سیاسی رسانه‌های گروهی ایجاد توقع روزافزون بین مردم است که اگر این توقعات از سوی نهادهای سیاسی و اجتماعی برآورده و پشتیبانی نشود، به انحطاط و رکود سیاسی می‌انجامد. در این گروه از محققانی چون هانتینگتون می‌توان نام برد. گروه سوم، از منتقدان نقش سیاسی رسانه‌های گروهی هستند که بر نقش مخدر رسانه‌ها تأکید می‌کنند. پیروان این نظریه، از جمله شرام معتقدند رسانه‌های گروهی وسیله تحمیق و یا موجب فرار مردم از دنیای واقعی به دنیای رؤیایی می‌باشند. (رهبر، ۱۳۸۴) در این زمینه رادیو نقش‌های مهم و متنوعی را برعهده دارد که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

- یکی از مهم‌ترین آثار رادیو، سیاسی کردن توده‌هاست؛ بدین ترتیب که چون وسیله پخش و اشاعه اخبار و ارزش‌های فرهنگی است، خود به خود مسائل سیاسی را که در گذشته اغلب در قالب نشست‌ها و گفتارهای گروهی محدود، حل و فصل می‌شد، در سطح وسیع و به صورت یک واقعه ملی مطرح می‌سازد.
- ترویج و تقویت روحیه ملی از دیگر آثار رادیو در جامعه است.

خود داده است و این کار از طریق کارکردن روی مسائل بنیادی انجام شده است. تحقیقات انجام شده در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی نشان داد که افراد خودشان را در معرض پیام‌هایی قرار می‌دهند که با آن پیام‌ها همدل و همسو شده‌اند. (مولانا، ۱۳۸۲)

بنابراین باتوجه با موارد ذکر شده بالا ضرورت دارد رسانه‌ها و بالاخص رادیو در این زمینه آگاهانه و برنامه‌ریزی شده، فعالیت‌هایی را انجام دهند که منافع تمامی قشرهای جامعه و در رأس آن، منافع ملی تأمین شود.

سیاسی‌بودن شدید روحیه مردم نامیبیا که از مبارزه برای استقلال سرچشمه می‌گیرد، امروزه نیز کاملاً محسوس است و در مشارکت عموم مردم در مباحث سیاسی مردم بازتاب یافته است. نوع برنامه‌هایی که تولید و پخش می‌شوند هم باید این روحیه را در نظر داشته باشند. حساس‌ترکردن مردم به مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که جزء واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر ساختمان ملی به‌شمار می‌روند، این روحیه را غنی‌تر می‌سازد. این امر مستلزم مشارکت همه سازمان‌هاست نه فقط حکومت. (اتکینسون و رابوی، ۱۳۸۴: ۳۰۱)

در زمان استقلال هند، دولت حزب کنگره هند به ریاست

جوهر لعل نهر و سه هدف بنیادی را برای کشور تعیین کرد که عبارتند از: وحدت سیاسی، توسعه اقتصادی و نوسازی اجتماعی. در این میان از نظام رادیویی کشور خواسته شد در این سه عرصه نقش مهمی ایفا کند. (اتکینسون و رابوی، ۱۳۸۴: ۲۸۹)

مهمترین چالشی که دولت هند از فردای استقلال با آن روبه-رو شد، ایجاد هم‌جوئی و وحدت در میان ملتی بود که از جماعات سیاسی، مذهبی، جغرافیایی و زبانی گوناگونی در یک هند تازه استقلال یافته تشکیل می‌شد. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسید که رادیو در خدمت شکل‌گیری سیاسی ملت قرار گیرد. رسالت رادیو عبارت بود از مشارکت در غلبه بر بحران فوری بی‌ثباتی سیاسی، تشویق فرایند نوسازی سیاسی و همچنین دور بلندمدت ایجاد بنای ملی کشور که ایدئولوژی مسلط دولت جدید هندوستان را تشکیل می‌داد. از آنجا که سپردن چنین وظیفه‌ای نه به رادیوهای تجاری امکان داشت و نه به رادیوهای خصوصی، رادیو به انحصار دولت درآمد و حکومت تأمین بودجه و مهار آن را به دست گرفت. رادیو می‌بایست به موازات شرکت در توسعه سیاسی در فرایند توسعه اقتصادی نیز مشارکت می‌کرد. (همان: ۲۹۰)

خصوصیت اصلی سازمان رادیو-تلویزیون عمومی بلژیک، بیشتر فرصت‌طلبی سیاسی بود تا اندیشه سیستماتیک عمیق درباره خدمت عمومی یا توجه به فقدان اصول استوار در تعریف رادیو-تلویزیون. این نهاد به سرعت به ابزار رقابت سیاسی سازگار با نیازهای روز تبدیل شد. به‌طور کلی، می‌توان گفت که در بلژیک هدف انحصار ملی خدمت عمومی رادیو و تلویزیون نه تضمین عملکرد دموکراتیک این رسانه جدید و قدرتمند بود و نه در نظر گرفتن واقعیت‌های فرهنگی و زبانی کشور، بلکه راهبرد اصلی آن رهبری سیاسی برای تسلط بر اخبار سیاسی بود. هر حزب سیاسی می‌کوشید با مداخله در استخدام آن نهاد حداکثر نفوذ سیاسی را اعمال کند. (همان: ۲۳۴)

نتیجه

رسانه‌ها و بویژه رادیو می‌توانند با انجام وظایف هدایتی، تجمیعی و نظارتی، منجر به پاسخگویی حکومت‌ها در قبال عملکرد خودشان شوند؛ امری که اگر به‌درستی انجام پذیرد، زمینه را برای نزدیک شدن جامعه و مسئولان به یکدیگر، کارآمدی بیشتر و مشارکت مردم و گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها فراهم خواهد آورد. با توجه به اهمیت ارتباطات و آگاهی‌های سیاسی مردم، رادیو نیز باید به پلی ارتباطی میان مردم و مسئولان تبدیل شود، در حالی که جای چنین ارتباط متقابلی در اغلب شبکه‌ها خالی است؛ چراکه جذب مخاطب گاه مانع از توجه به کارکردهای سیاسی می‌شود. پیشرفت‌های فناوری در جامعه اطلاعاتی موجب تضعیف جایگاه رادیو به‌ویژه در رقابت با تلویزیون شده است. با این حال این امر به معنای پایان عمر رادیو نیست، بلکه به معنای آن است که اولویت‌های رادیو باید دوباره با مشارکت تمامی گروه‌های جامعه تعریف شود تا بتواند در مقابل جهانی-شدن اطلاعات، پاسخگویی علائق و نیازهای سیاسی عموم مردم

اعم از احزاب و قشرهای مختلف باشد. در کشور ما نیز که شاهد رشد روزافزون سطح تحصیلات و معلومات اقشار جامعه هستیم، طبیعتاً نقش رسانه‌هایی چون رادیو رو به افزایش خواهد بود. لذا ضرورت دارد برنامه‌سازان رادیویی با بهره‌گیری از صاحب‌نظران و دانشمندان حوزه علوم سیاسی و ارتباطات، به ساختار بندی و تهیه برنامه‌هایی در جهت افزایش آگاهی سیاسی مردم، پاسخگویی نهادهای حکومتی و مشارکت مردم در نظام سیاسی بپردازند.

لازمه پاسخگویی حکومت، توجه‌کردن به نظرها، دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم و کاربست مسئولانه آنها و همچنین طراحی و اجرای سیاست‌ها و رویه‌هاست. پاسخ‌گویی، متضمن پاسخگویی حکومت در برابر مردم و در قبال سیاست‌ها و کنش-هاست. این امر تنها هنگامی تحقق می‌یابد که مردم در جریان اطلاعات مربوط به سیاست‌ها و کنش‌ها قرار بگیرند. بنابراین دسترسی به اطلاعات از طریق رادیو نه تنها می‌تواند بر میزان علاقه شهروندان برای استقرار یک حکومت دموکراتیک بیفزاید، بلکه چرخه‌ای ایجاد می‌کند که به تعمیق و ارتقاء حق دسترسی به اطلاعات نیز خواهد انجامید. در حقیقت حق دسترسی از طریق رادیو با ایفای نقشی که در این حلقه برعهده دارد به بقای خود نیز یاری می‌رساند.

منابع:

- باتامور، تام. (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی سیاسی، کیهان
 اتکینسون، دیوید و رابوی، مارک. (۱۳۸۴). رادیو-تلویزیون خدمت عمومی، (ترجمه مرتضی ثاقب‌فر): سروش
 بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نی
 بشیریه، حسین. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی سیاسی، نی
 ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، (ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی). پژوهشکده مطالعات راهبردی
 پستمن، نیل (۱۳۷۸). زندگی در عیش مردن در خوشی، (ترجمه دکتر صادق طباطبایی). تهران: اطلاعات
 ساروخانی، باقر. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات
 علوی، پرویز. (۱۳۷۵). ارتباطات سیاسی، علوم نوین
 عظیمی، حسین. (۱۳۷۸). ایران امروز در آینه مباحث توسعه، فرهنگ اسلامی
 قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۴). نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، دانشکده شهید بهشتی
 رهبر، مهدی. (۱۳۸۴). «رسانه‌ها و پاسخگویی نهادهای حکومتی»، پژوهش و سنجش، شماره ۱۲
 مولانا، حمید. (۱۳۸۲). «رسانه‌ها و انگاره‌سازی»، (ترجمه غلامرضا تاجیک)، رسانه، سال هفتم، شماره ۲
 واینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی، (ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی)، پژوهشکده مطالعات راهبردی

D. Easton, (1965), *A Systems*

Analysis of Political Life: John Wiley

